

## نقد و بررسی نظرات مستشرقان در خصوص شخصیت زید بن ثابت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱

پرویز آزادی\*

محمد جانی پور\*\*

### چکیده

کتابت قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (ص) و پس از ایشان از مباحث مهم تاریخ قرآن است که همواره مورد توجه مسلمانان و مستشرقان قرار گرفته است. در میان کاتبان وحی، «زید بن ثابت» از اهمیت خاصی برخوردار است، به نحوی که شناسایی شخصیت او در رفع برخی ابهامات تاریخ صدر اسلام و موضوع کتابت وحی، نقش تعیین کننده‌ای دارد. برخی از مستشرقان تلاش دارند با اثبات تعلیم زید بن ثابت توسط یهودیان مدینه، تحولات ایجاد شده در صدر اسلام از جمله فراگیر شدن فرهنگ سوادآموزی، کتابت وحی و جمع مصاحف را اقدامی برخاسته از فرهنگ یهودیت معرفی کنند و با این روند فرهنگ ارزش‌سازی علم در زمان پیامبر اکرم (ص) را به یهودیان نسبت دهند. از جمله این مستشرقان، «میخائیل لکر» است که به موضوع کتابت در صدر اسلام و شخصیت زید بن ثابت توجه نشان داده و مقالات متعددی در این زمینه نگاشته است. در این مقاله پس از معرفی شخصیت زید بن ثابت و فعالیت‌هایش در صدر اسلام، استدلال‌های مطرح شده از سوی میخائیل لکر نقد و ارزیابی می‌شود و در نهایت برخی ابهامات مطرح در خصوص شخصیت زید بن ثابت مورد بحث قرار می‌گیرد.

### واژگان کلیدی:

زید بن ثابت، کتابت، یهود، مدینه، تاریخ صدر اسلام

azadiparviz@ut.ac.ir

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

janipoor@isu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)

#### مقدمه

به عقیده محققان، کهن‌ترین خط و نخستین سر رشته آن که در تاریخ خط شناخته شده است، خط «هیروگلیفی» است که مصریان از آن استفاده می‌کردند و پس از آن‌ها فینیقی‌ها اساس خطی را پی ریزی کردند که اکثر خطوط دنیا از آن اقتباس شده است (پتیرز، ۱۳۸۳، ص ۴۲).

از جمله خطوطی که از خط فینیقی الهام گرفته، خط آرامی است که یهودیان از آن استفاده می‌کرده و فرم جدید آن خط عبری می‌باشد. این خط در طول زمان وارد جزیره العرب شده و در موارد زیادی از قبیل مراسلات، نامه‌نگاری، یادداشت‌های تجاری و قراردادهای و غیره به کار گرفته می‌شده است. این امر به خصوص در شهرهای مکه و مدینه بیشتر رواج داشته است. شهر مکه از سال‌ها پیش از ظهور اسلام، یک مرکز تجاری و بازرگانی بوده و لذا مردمان آن برای نگارش قراردادهای تجاری به خط نیاز شدید داشته‌اند. همچنین از آنجا که اعراب ذوق و قریحه‌ای سرشار در سرودن شعر داشته‌اند، پس از رواج خط در آن سرزمین، شهر مکه به یکی از مهمترین کانون‌های ادبی در شبه جزیره تبدیل می‌شود (پتیرز، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

یکی از نکات برجسته‌ای که در تاریخ اسلام جلب نظر می‌کند و نشان می‌دهد که هم‌زمان با حیات رسول خدا (ص) عده‌ای در مکه به خواندن و نوشتن آشنائی داشته‌اند، حادثه جنگ بدر است که پس از پیروزی پیامبر اکرم (ص) در آن، دستور دادند اسیرانی که خواندن و نوشتن می‌دانند، می‌توانند پس از تعلیم خواندن و نوشتن به ده کودک مسلمان آزاد شوند (سیوطی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۸۲؛ زنجانی، بی‌تا، صص ۵۲-۵۳).

این مطلب نشان می‌دهد که پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص)، افراد باسواد متعددی در مکه حضور داشته‌اند. همچنین نکته دیگری که می‌توان از این واقعه تاریخی برداشت نمود این است که پیامبر امی اسلام (ص)، خود نخستین مروج خط و کتابت و خواندن و نوشتن در تاریخ اسلام بوده است.

در اینکه آیا مکه بر مدینه در آشنائی به خط و کتابت، مقدم بوده یا نه، مورخان دچار اختلاف نظر می‌باشند که با مطالعه قرائن زیر، به نظر می‌رسد بهتر است مکه را در این زمینه بر مدینه مقدم بدانیم:

۱- مکه نقطه اتصال و حلقه ارتباط میان نواحی مختلف جزیره‌العرب و سایر ممالک دیگر بوده و طبیعی است که پیش از سایر نقطه‌های دیگر، این فن را آموخته باشد.

۲- مردم مکه از دو مسافرت تجاری در فصل زمستان به یمن و در فصل تابستان به شام پیوسته برخوردار بوده‌اند. این مطلب به صراحت در قرآن کریم بیان شده است: «لَا يَأْتِيَنَّكُمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ» (قریش: ۱-۲). یمن مرکز تمدن عربی در جزیره‌العرب به شمار می‌رفت و شام نیز مرکز تجمع فنیقی‌ها بود، و می‌دانیم که فنیقی‌ها بودند که اول بار خط و حروف مصری را به حروف هجا تبدیل کرده و خط آرامی و عبری و سپس خط حجازی را ساختند.

۳- در مکه، بازار (سوق) هائی تشکیل می‌یافت که تازیان از نواحی مختلف به منظورهای گوناگونی به آن‌ها روی می‌آوردند که این بازارها معمولاً با مسئله خط و خواندن و نوشتن، پیوند و ارتباطی عمیق داشت.

۴- تاریخ، این حقیقت را گوشزد می‌کند که به هنگام مهاجرت رسول خدا (ص) از مکه به مدینه، افراد کمی در آن شهر سواد خواندن و نوشتن داشتند، لذا پیامبر اکرم در اولین اقدام به عبدالله بن سعد بن امیه دستور داد خواندن و نوشتن را به مردم مدینه تعلیم دهد.

همچنین در روایت دیگری آمده است حضرت (ص) «زید بن ثابت» را مأمور کرد تا خط عبری یهودیان را فراگیرد تا بتوانند با یهودیان مکاتبه داشته باشند. این مطلب نشان می‌دهد که خط یهودیان با خط و نگاره‌ای که تازیان با آن سروکار داشتند، متفاوت بوده است. آنچه در این خصوص باعث شده است ابهاماتی برای برخی از مورخان و همچنین مستشرقان ایجاد شود، مسئله نحوه آشنایی زید بن ثابت با خط عربی و خط عبری است. بر مبنای شواهد تاریخی وی در هنگام بعثت پیامبر اکرم (ص) کودکی خردسال بوده است، پس چگونه می‌توانسته با خط عربی آشنا باشد تا پس از آن

بتواند در مدتی کمتر از ۱۷ روز خط عبری را نیز یاد بگیرد (صفوان عدنان، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶).

در این مقاله تلاش شده است ابتدا به معرفی شخصیت زید بن ثابت پرداخته شود و سپس با طرح نظراتی که برخی مستشرقین در خصوص آموزش دیدن زید بن ثابت توسط یهودیان مدینه بیان کرده‌اند، نظرات آنان را نقد و تحلیل کنیم. نکته حائز اهمیت که ضرورت چنین مطالعاتی را بیان می‌کند، آن است که برخی از محققین از رهگذر آنچه در کتب تاریخی و روایی در خصوص زید بن ثابت آمده است، اینگونه برداشت کرده‌اند که وی اصالتاً یهودی بوده و پایه‌های اولیه آموزش و کتابت نیز در ابتدا توسط یهودیان در مدینه پی ریزی شده است. پیش از ذکر نظرات مستشرقان در خصوص ریشه‌های کتابت در صدر اسلام و به خصوص نقش زید بن ثابت در این زمینه، لازم است ابتدا آشنایی اندکی با شخصیت زید بن ثابت، این صحابی معروف صدر اسلام پیدا کنیم.

#### ۱. معرفی زید بن ثابت

زید بن ثابت ضحاک بن لوزان انصاری (م ۴۵ ق) در مدینه به سال ۱۱ قبل از هجرت به دنیا آمد، ولی در مکه بزرگ شد. شش سال داشت که پدرش کشته شد و او در ۱۱ سالگی پس از هجرت نبی مکرم اسلام (ص) به مدینه، راهی آن شهر گردید. در کتب تراجم با کنیه «ابو خارجه» معروف بوده و او را فرزند نوار، دختر مالک معرفی کرده‌اند، اما معلوم نیست پدر این زن، مالک بن صرمه است یا مالک بن معاویه.

در مورد نام حقیقی پدر زید و نام جد و عموها و نسب زید نیز اختلاف وجود دارد. بعضی او را زید بن ثابت بن خلیفه اشهلی که از اصحاب رسول خدا (ص) و از قبیله اوس بوده معرفی کرده‌اند (سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۷۲) و برخی دیگر وی را فرزند ضحاک اشهلی می‌دانند که از منافقان و جاسوسان یهود بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۱۳۰۱، ج ۲، ص ۸؛ ابن کثیر، ۱۹۷۴م، ج ۴، ص ۹۶).

برخی مدعی شده‌اند که بیشترین مسئولیت کتابت وحی و جمع آوری آیات قرآن با وی بوده است در حالی که برخی دیگر در این موضوع تردید کرده‌اند چرا که بعضی تصریح کرده‌اند وی در زمان رحلت پیامبر (ص) کودکی بیش نبوده است. ابن منده

می‌گوید: «زمانی که رسول خدا رحلت کرد، زید بن ثابت هشت ساله بود و در سال ۴۵ هـ. ق فوت کرده است» (ابن اثیر، ۱۸۶۳م، ج ۱، ص ۲۶۶)

در کتاب تذکرة الحفاظ نیز آمده است: «إنه المقرئ الفرض، كاتب وحی النبی (ص) و زید صبی ذکی نجیب، عمره إحدى عشرة سنة فأسلم، فأمره النبی (ص) أن يتعلم خط اليهود فجود الكتابة و كتب الوحی» (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۳؛ صفوان عدنان، ۱۴۱۱ق، ص ۸۴).

با این حال چگونه می‌توان پذیرفت که او از زمان پیامبر (ص) قرآن را می‌نوشته است؟

#### ۱-۱. مناصب و فضایل زید بن ثابت

بنابر اقوال مشهور زید بن ثابت، علاوه بر منصب کتابت وحی و مسئولیت جمع آوری قرآن، کاتب رسمی دولت و نیز مسئول تقسیم ارث و قاضی و جانشین عمر در زمان غیبت او نیز بوده است. خارجه بن زید گوید: «در بسیاری از مواقع که عمر به مسافرت می‌رفت، زید را جانشین خود می‌کرد و کمتر زمانی پیش می‌آمد که از سفر بازگردد و باغی از نخل و خرما به زید نداده باشد» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۹۳).

وی حتی در مکاتبات خویش به زید، نام او را بر نام خود مقدم می‌کرد و چنین می‌نوشت: «به زید بن ثابت از عمر»، در حالی که این روش، خلاف عرف معمول بود و از سلیمان بن یسار نیز روایت شده است: «عمر و عثمان هرگز کسی را در تقسیم ارث و فتوا و قضاوت بر زید مقدم نمی‌کردند» (ذهبی، ۱۹۹۴ق، ج ۲، ص ۴۳۸). همچنین زید در زمان عثمان سمت کارگزاری بیت المال را نیز به عهده گرفت (بخاری، ۳۹۸ق، ج ۸، ص ۳۷۳).

بر این اساس باید گفت که زید در هر دوره‌ای از صدر اسلام نقشی خاص داشته است: در زمان رسول خدا (ص) کاتب وحی بود و آخرین بار قرآن را بر حضرتش عرضه داشت، در زمان ابوبکر مباشر جمع قرآن شد، در زمان عمر برای وی کتابت می‌کرد، در زمان عثمان نیز در گروه جمع قرآن شرکت داشت و در زمان حکومت

امیرالمومنین علی (ع) ریاست گروه قراء بدو رسید (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۲، ص ۱۰۸).

شاید بر اثر یک چنین نقشی بوده که گفته‌اند او هم مصحفی خاص خود داشته است و شاید هم که از زمان رسول خدا (ص) نسخه‌ای از مصحف برای خود تهیه می‌دیده است (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۳۸۷).

همچنین در برخی روایات کوشش شده تاریخی پر از جهاد و سرافرازی برای زید بن ثابت بنویسند. به عنوان نمونه گفته‌اند: او می‌خواست در جنگ بدر شرکت کند، ولی رسول خدا (ص) به دلیل سن کم، مانع او شد و یا آنکه او در جنگ خندق نوجوان بود و در کندن خندق و انتقال خاک همکاری می‌کرد و در غزوه تبوک نیز پرچم بنی النجار به او سپرده شد و رسول خدا (ص) نیز دلیل تقدم او را بر دیگر مجاهدان در این امر، تسلط بیشتر زید بن ثابت بر قرآن شمردند (ابن اثیر، ۱۸۶۳م، ج ۲، ص ۲۲۱).

از انس بن مالک نیز روایت کرده‌اند که رسول خدا (ص) ابوبکر را مهربان‌ترین، عمر را محکم‌ترین فرد در دین خدا، عثمان را باحیاط‌ترین، زید بن ثابت را عالم‌ترین مردم به فرائض و تقسیم ارث، ابی بن کعب را بهترین قاری قرآن و معاذ بن جبل را داناترین افراد به حرام و حلال در میان امت دانسته و ابو عبیده بن جراح را امین و معتمد امت شمرده‌اند: «أن رسول الله (ص) قال: ... و أفضهم زید بن ثابت و أقرؤهم لكتاب الله أبي بن كعب و أعلمهم بالحلال و الحرام معاذ بن جبل» (ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۵۵؛ احمد بن حنبل، ۱۸۹۵م، ج ۳، ص ۲۸۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۶۴۱).

البته برای بررسی صحّت این حدیث و مانند آن، باید زندگی هر یک از افراد نامبرده را بررسی کرد تا معلوم شود آیا این ویژگی‌ها در آنان بوده است یا خیر، اما در مورد زید بن ثابت باید گفت که وی در تقسیم ارث، در تفسیر آیات قرآن که برای همه قابل فهم بوده، گاه از ذوق خود کمک می‌گرفته و به اصطلاح، استحسان می‌کرده است. همچنین وی جانب دولت را بسیار مراعات می‌کرد و تا حد ممکن اموال را به بیت المال واریز می‌نمود. در دانایی وی همین بس که او دایی و خاله و عمه را از ارث بردن محروم و سهم آنان را به بیت المال واریز می‌نمود (بخاری، ۱۳۹۸ق، ج ۸، ص ۳۷۳).

از محمد بن سیرین روایت شده است که غلام عمر بن خطاب از دنیا رفت، پسر عمر از زید پرسید: «آیا دختران عمر از او ارث می‌برند؟» زید گفت: «نه، ولی اگر تو بخواهی، به آنان ارث می‌دهم» (دارمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۳۹۷).

همچنین معتضد از ابو حازم قاضی پرسید: «اصحاب، همگی معتقدند اولوالأرحام (خویشاوندان) ارث می‌برند،<sup>۲</sup> اما زید بن ثابت چنین اعتقادی نداشت. آیا او از ابوبکر و عمر و عثمان حکم محرومیت ارث ذوی الارحام را روایت می‌کرد؟» قاضی جواب داد: «هر کس چنین چیزی را از آنان روایت کرده باشد، دروغ گفته است» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳۰، ص ۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ج ۳، ص ۳۴۵).

از کسانی که در امر تقسیم ارث به این داناترین افراد اعتراض می‌کرد، ابن عباس بود. وی از زید پرسید: «آیا تو در کتاب خدا دیده‌ای که ثلث بقیه ارث به مادر می‌رسد؟» وی گفت: «تو به نظر خودت عمل می‌کنی و من به نظر خودم» (دارمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۳۴۶) و نیز می‌گفت: «آیا زید از خدا نمی‌ترسد که فرزند پسر (نوه) را مانند پسر می‌داند، اما پدر پدر (پدر بزرگ) را پدر نمی‌داند» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲۹، ص ۱۸۲).

این در حالی است که در برخی روایات آمده است ابن عباس، زید را با فضائل و علم بسیار یاد کرده، رکاب او را می‌گرفت و حتی او را شاگرد زید در قرائت قرآن و شیخ او در روایت دانسته‌اند. به عنوان مثال از ابن عباس نقل کرده‌اند که: «آن زید بن ثابت، من الراسخین فی العلم» (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ص ۶۳؛ سعد یوسف، بی‌تا، ص ۳۰؛ ذهبی، ۱۹۹۴ق، ج ۲، ص ۴۲۶).

به نظر می‌رسد این روایات ساخته کسانی است که خواسته‌اند به نحوی مقام زید بن ثابت را در مقابل ابن عباس بزرگ جلوه دهند. در کتب تاریخی آمده است که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، طرح سقیفه در ابتدا با مشاجره و نزاع میان سران قبایل شروع شد و رئیس قبیله خزرج از انصار مدینه که «سعد بن عباد» نام داشت، پیشنهاد خلافت ابوبکر را نپذیرفت و بیعت با او را رد کرد، از این رو انصار نیز با او مخالفت کردند، اما در این میان، تنها زید بن ثابت جرأت پیدا کرد و دست ابوبکر را گرفت و گفت: «صاحب شما این است، با او بیعت کنید!» (ابن هشام، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۴۹۴) و

همین امر، گره کور را باز کرد و موجب بیعت انصار با ابوبکر شد. به نظر می‌رسد خدمتی که زید بن ثابت در آن روز برای ابوبکر انجام داد، کلید فهم این سوال باشد که چرا مقام چنین فردی تا این حد بالا برده می‌شود و چنین روایاتی برای او ساخته می‌شود و صاحب چنان مناصب مهمی می‌گردد.

از این روی است که در روایتی امام باقر(ع) در مورد او فرموده اند: «الحکم حکمان، حکم الله و حکم الجاهلیة ... و أشهد علی زید بن ثابت لَقَدْ حَكَمَ فی الفرائض بِحُكْمِ الجاهلیة»؛ حکم دو قسم است: حکم خدا و حکم جاهلیت، و شهادت می‌دهم که زید بن ثابت در تقسیم ارث، بر طبق حکم جاهلیت رفتار می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۷، ص ۴۰۷). وی پس از کشته شدن عثمان با علی (ع) بیعت نکرد و در هیچ یک از جنگ‌ها نیز همراه ایشان نبود (میرزا نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲ ص ۳۲۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۶م، ج ۳، ص ۱۹۱).

#### ۲-۱. مهمترین مشکل شخصیتی زید بن ثابت

به نظر می‌رسد مهمترین مشکل زید بن ثابت، شخصیت اجتماعی او باشد، زیرا او نزد اصحاب متهم است که یهودی بوده و زبان عبری نیز می‌دانسته است. زمانی که به عبدالله بن مسعود اعتراض می‌شد که چرا مانند زید قرائت نمی‌کند، پاسخ می‌داد: «من هفتاد سوره را برای رسول خدا خواندم و حضرت به من آفرین گفتند، حالا از من می‌خواهند مانند کسی بخوانم که در صلب مرد کافری بوده است» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۰۰۶).

و نیز از وی روایت شده است: «زمانی که من هفتاد سوره قرآن را از دهان رسول الله (ص) فرا گرفتم، زید بن ثابت با موهای بافته شده در مکتب خانه درس می‌خواند» (احمد بن حنبل، ۱۸۹۵م، ج ۱، صص ۳۸۹ و ۴۰۵ و ۴۴۲). ابی بن کعب نیز درباره زید همین نظر را دارد. وی می‌گوید: «زمانی که من قرآن می‌خواندم، زید کودکی بود که با موهای بافته شده، در مکتب با یهودی‌ها بازی می‌کرد» (ازدی نیشابوری، بی‌تا، ص ۵۱۹؛ سید علی خان، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲).



از مجموعه این روایات، برخی معتقد به یهودی بودن زید بن ثابت در آن زمان شده‌اند، زیرا یهودیان در جامعه‌ای بسته زندگی می‌کردند و غریبه‌ها، به ویژه مسلمانان را درون خود راه نمی‌دادند، پس چگونه ممکن بود کسی که مسلمان بوده، در مکتب یهودیان درس بخواند و با کودکان آنان بازی کند.

این در حالی است که برخی عالمان جهان اسلام این مطلب را از جمله فضایل وی شمرده و روایات بسیاری در این زمینه نقل کرده‌اند. از آن جمله، روایاتی است که وی به دستور رسول خدا (ص) زبان عبری را آموخت تا سخن یهودیان را برای آن حضرت ترجمه کند و نامه‌های ایشان را بنویسد (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۲۰؛ احمد بن حنبل، ۱۸۹۵م، ج ۵، ص ۱۸۲؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱۶، ص ۸۹). در برخی روایات دیگر آمده است که وی زبان عبری را در کمتر از ۱۷ روز آموخته است: «فتعلمتها فی سبعة عشر یوماً» (احمد بن حنبل، ۱۸۹۵م، ج ۵، ص ۱۸۲).

به نظر می‌رسد با توجه به اطلاعات موجود در خصوص جامعه صدر اسلام، نمی‌توان اینگونه روایات را پذیرفت چرا که وی هم بازی کودکان یهود بوده و در مکتب آنان درس می‌خوانده است، پس نیازی به فرا گرفتن زبان عبری نداشته است. افزون بر آنکه یهودیان عرب ساکن در مدینه، زبان عربی را به خوبی می‌دانستند و با مسلمانان و اعراب مراوده و تجارت داشتند. در کتب تاریخی اطلاعات متعددی در خصوص مراوده ایشان با اعراب قبل و بعد از هجرت پیامبر نقل شده است که همگی این مدعا را اثبات می‌کنند.

دیگر آنکه رسول خدا (ص) نیز به مناسبت داشتن نبوت، طبق عقیده مسلمانان، هر زبانی را می‌دانسته و می‌فهمیده است، از این رو ساختگی بودن این روایات از امور بدیهی می‌باشد و شاید این روایات را برای این جعل کرده باشند تا حضور زید را در میان یهودیان مشروعیت بخشند.

در ادامه مقاله تلاش شده است با طرح نظر یکی از مستشرقان مشهور که به طور تخصصی در زمینه کتابت در صدر اسلام به تحقیق پرداخته و در رابطه با شخصیت زید بن ثابت مقالاتی تألیف کرده است، ادله ایشان برای یهودی بودن زید بن ثابت را نقد و بررسی نماییم.

## ۲. نظرات مستشرقان در خصوص زید بن ثابت

همانگونه که در مقدمه مقاله اشاره شد، از جمله مستشرقان مشهوری که به طور تخصصی در زمینه کتابت در صدر اسلام به تحقیق پرداخته و کتب و مقالاتی متعددی در این زمینه تألیف کرده، «میخائیل لکر»<sup>۳</sup> می‌باشد. وی استاد دانشگاه عبری اورشلیم<sup>۴</sup> (بیت المقدس) است که در سال ۱۹۵۱م. در شهر حیفا اسرائیل به دنیا آمده و در همان جا تحصیلات عالی خود را گذرانده و هم‌اکنون دارای درجه پرفسوری در رشته عربی است. رساله وی در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «سکونت یهودیان در بابل در دوران تشکیل تلمود» و در مقطع دکتری با عنوان؛ «فعالیت‌های محمد (ص) پیامبر در مدینه» بوده است.

از وی مقالات متعددی تاکنون منتشر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: حدیبیه، محمد(ص) در مدینه، بازارهای مدینه، ازدواج میان یهودیان و قریش، حکومت عمرو بن عاص در فلسطین، شرطة الخمیس، فریب محمد(ص) توسط یهودیان، حذیفه بن یمان و عمر بن یاسر، بت پرستی در مدینه قبل از اسلام، ابومالک عبدالله بن سام از کِنده، یهودیانی که به اسلام گرویدند، فتوح شام، کِنده در دوران اسلامی، گزارش واقعی راجع به یهودیان مدینه، یهود در کِنده، یهودیان بنی قریظه، مرگ پدر محمد(ص)، ابوعبید معمر بن مثنی، گرایش حِمیر به یهودیت، ابن شهاب زهری، عتبه بن ابی وقاص، عمرو بن حزم انصاری، انجمن عقبه، رفتار پیامبر(ص) با یهودیان، زید بن ثابت، قریش، شهید، عمر بن خطاب، خراج و مالیات در دوران اولیه اسلام.

وی علاوه بر مقالات فوق، کتاب‌هایی نیز با این عناوین نگاشته است: بنو سلیم، مسلمانان، یهود و مشرکان، یهود و اعراب در دوران اسلام اولیه، مردم، قبیله و جامعه در زمان پیامبر(ص)، ساختار مدینه.

همچنین وی هم‌اکنون در دانشگاه عبری اورشلیم، در موضوعات ذیل تدریس می‌نماید: محمد (ص) پیامبر اسلام، قرائت در اسلام، یهود عرب در اسلام اولیه و آموزش زبان عربی. اگرچه اطلاعات موجود از میخائیل لکر در حد بسیار جزئی و اندک بوده اما فهرست مقالات و کتبی که نگاشته است بیانگر آن است که وی در زمینه

تاریخ صدر اسلام و شبه جزیره عربستان مطالعات بسیاری داشته و از این روی مطالعه مقالات وی برای محققان و پژوهشگران مفید می‌باشد.

یکی از مقالات وی، مقاله‌ای با عنوان «زید بن ثابت با دو زلف آویخته از کنار گوش‌هایش؛ یهود و کتابت در مدینه قبل از اسلام (یثرب)» می‌باشد که در هفتمین هم‌اندیشی بین‌المللی با عنوان «از جاهلیت تا اسلام» و در تاریخ ۲۸ جولای سال ۱۹۹۶م. در اورشلیم ارائه گردیده است. وی در این مقاله تلاش دارد تا به اختلاف نظرات و روابط تیره میان زید بن ثابت با دیگر صحابیان معروف و کاتبان وحی مانند ابن مسعود و ابی ابن کعب پرداخته و در این میان نقش یهودیان در مدینه، قبل و بعد از اسلام را در باسواد کردن مردم، مورد بحث قرار دهد.

در حقیقت هدف وی از نگارش این مقاله آن است که نشان دهد زید بن ثابت و دیگر افراد باسواد مدینه به چه میزان از یهودیان تأثیر پذیرفته و چه ارتباطی با آنان داشته‌اند. به نظر می‌رسد این مقاله مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی نگاشته شده است که در ادامه تلاش می‌شود به نقد و بررسی دقیق این پیش‌فرض‌ها پرداخته شود. در ابتدا لازم است به تفصیل نظرات وی که برگرفته از نظر دیگر مستشرقان و محققان نیز می‌باشد، بیان شود.

## ۲-۱. آموزش زید توسط یهودیان

یهودیت (יהודה) یکی از قدیمی‌ترین ادیان بشر است که به اعتقاد پیروانش توسط ابراهیم از طرف خداوند آورده شده است. پیروان آن عموماً فرزندان قوم بنی اسرائیل هستند. این دین نخستین دین ابراهیمی و نیز توسط بسیاری، نخستین دین یکتاپرست به شمار می‌رود. همچنین یهودیت کانون بیشتر متون و سنت‌های ادیان ابراهیمی می‌باشد و تاریخ، اصول و اخلاق آن بر ادیان مسیحیت، اسلام، و بسیاری از مذاهب دیگر تأثیر بسزایی گذاشته است (پتیرز، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

میخائیل لکر در رابطه با شخصیت زید بن ثابت و آموزش یافتن وی توسط یهودیان در مقاله خود چنین می‌نویسد: «شواهدی در دست داریم که زید در سال‌های اولیه زندگی‌اش خط عربی را آموخت و احتمالاً خط آرامی یا سریانی را نیز به همین نحو از یک یهودی متعلق به گروه یهودیان «بنو ماسکه» فرا گرفته است. این گروه در

بخش پایینی مدینه یعنی سافله زندگی می‌کردند. من اطمینان دارم که برای یک دوره نامشخص زمانی - در حدود شش یا هفت سال که این فاصله در حدود سال‌های مرگ پدر زید در نبرد بُعاث و هجرت بوده است - زید تحت تعلیم یهودیان قرار داشته و احتمالاً همانند یک فرزند یهودی رشد یافته است» (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 259).

لازم به توضیح است که زید، پدر خود را در نبرد بُعاث از دست داده بود (ذهبی، ۱۹۹۴ق، ج ۲، ص ۴۲۷؛ واقدی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۴۸). زید در روایتی درباره زندگی‌اش، گفته است: نبرد بُعاث در شش سالگی من اتفاق افتاد. این نبرد پنج سال قبل از هجرت پیامبر اسلام (ص) بود و وقتی که پیامبر اسلام وارد مدینه شد، من یازده ساله بودم. مرا به نزد پیامبر بردند و آن‌ها (منظور کسانی که زید را نزد پیامبر بردند) گفتند: «(این فرد) فرزندی از خزرج است که شانزده سوره را می‌خواند» من در آن زمان اجازه شرکت در جنگ‌های بدر و احد را نداشتم اما اجازه نبرد در جنگ خندق به من داده شد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۱۴).

مادر مطلقه زید، النوار بنت مالک از عدی بن نجار، با عمرو بن حزم که به همان زیر گروه مالک بن نجار تعلق داشت، ازدواج کرد و او نیز همانند همسر سابقش شد که نام عبد عوف ابن غنم داشت (ابن قدامه، ۱۹۷۲م، صص ۶۹-۷۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۸، ص ۱۴۴؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۸، صص ۴۱۹-۴۲۰؛ واقدی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۴۸ و ج ۳، ص ۱۰۰۳).

مادر زید مباحث کرده است که خانه او مرتفع‌ترین خانه در میان خانه‌هایی بوده که مسجد (مکان نماز) پیامبر (ص) را دربر گرفته بودند؛ بلال بن رباح همواره اذان را از سقف خانه او ندا می‌داد تا وقتی که پیامبر (ص) مسجد خود را بنا نهاد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۸، ص ۴۲۰). گفتار زید که او همسایه پیامبر بود تأکید بر این امر دارد که او همواره در دسترس بوده است (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 260).

ناپدری زید، عمرو بن حزم، قدری قابل توجه است. برادر او، عمر بن حزم، توسط ناذر یهودی، همانند یکی یهودی تربیت یافت؛ وقتی که ناذر از مدینه اخراج شد، عمرو نوجوانی یازده ساله بود که با آن‌ها رفت و در ضمن یکی از پسران زید با دختر عمر بن

حزم ازدواج کرد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۵، ص ۲۶۵). ناپدری زید به عنوان یک فرد ماهر در امر سحر شناخته می‌شد (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۴، صص ۳۱۳ و ۵۷۹) و سحر بُعدی از جادو بود که در میان یهودیان مدینه رایج بود (عبد الملک بن حبیب، ۱۹۹۲م، ص ۹۶؛ Lecker, 1992, pp. 561-569).

زید به عنوان متخصص در امر محاسبه تقویم مورد توجه واقع شده است چرا که مهارت خود را از اساتید یهودیش فراگرفته بود. پسر زید، خارجه (م ۹۹ یا ۱۰۰ هـ. ق.) این‌گونه نقل کرده است که روز عاشورا در زمان‌های مختلفی از یک سال گرامی داشته می‌شد (بدین نحو که در طول سال‌های مختلف چرخش می‌کرد و این امر در دوره‌های نجومی اسلامی اتفاق می‌افتد). مردم طبق عادت بارها و بارها به یک یهودی مراجعه می‌کردند و در این باره سؤال می‌کردند (مزی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، صص ۸-۱۳؛ Zimmer, 1996, Vol. 15, pp. 397-399).

وقتی که آن فرد یهودی از دنیا رفت، مردم به سوی زید بن ثابت آمدند و در این باره از او سؤال می‌کردند (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۳۸) وقتی زید از دنیا رفت، ابوهریره بنا بر اقوال رسیده گفته است: «امروز ربّی این امت (حبر هذّه الامّة) مُرد، شاید که خدا ابن عباس را جانشین او قرار دهد» (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۲، ص ۳۶۲). گفته شده است: «عقل و دانش زید به خاطر درک فوری مطالب، مورد تمجید معاصرانش قرار داشت؛ او به نام ربّی جامعه خوانده می‌شد». اما نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که زید به خاطر دانستن مطالب یهودیان به نام ربّی مشهور شده بود یا اینکه وی در اصل یهودی بوده است؟ (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 261).

## ۲-۲. کتابت نامه‌های پیامبر(ص) توسط زید

بر مبنای اقوال متعددی که در کتب تاریخی ذکر شده مبنی بر اینکه زید برای پیامبر(ص) هم آیات قرآن (وحی) و هم نامه‌هایش به شاهان را نوشته است (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۰۸، صص ۱۲۳-۱۲۴ و صص ۱۳۲-۱۳۳؛ احمد بن حنبل، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۳۹۱)، مستشرقان اینگونه نتیجه گرفته‌اند که وی کاتب خصوصی پیامبر(ص) بوده و به خصوص نامه‌های ایشان به قبایل یهودی را می‌نگاشته است.

شواهد بیشتر درباره تحصیلات زید، ما را به فراتر از آن چیزی که پیشتر درباره مکتب یا کتاب یهودیان گفته شد، می‌برد. گفته شده است که زید «خط یهودی» (Sezgin, 1967, pp. 257-258 ; Abbot, 1967, Vol. 2, p. 8) (یا سریانی یا آرامی) را در مدارس ماسله فرا گرفت (کتانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۰۴؛ Dodge, 1962, p. 159). ماسله تصحیف «ماسکه» است. زید تعلیمات خود را در مدراسی از گروه یهودیانی اخذ نمود که به آن‌ها ماسکه می‌گفتند. بر اساس دیدگاه فرهنگ‌های لغت عرب، مدراس یهودیان، در واقع خانه آن‌هاست که در درون آن، کتاب فرامین که به موسی (ع) نازل شد به صورت مکرر خوانده می‌شود، یا خانه آن‌هاست که در آن کتاب خدا خوانده می‌شود یا بصورت مکرر خوانده می‌شود یا کتاب‌های یهودیان مطالعه می‌شود (Lammens, 1908. P. 87).

اسلامی شده واژه ماسکه در لسان العرب انعکاس یافته است (Lecker, 1985, p. 39؛ سهمودی، ۱۹۵۵، ج ۱، ص ۱۶۴ و ۱۵۸؛ ابن رسته، ۱۸۹۲، ج ۶، ص ۶۲). ماسکه در روستایی قرار داشت که به آن القف می‌گفتند و در قسمت پایینی مدینه قرار داشت. در عین حال، شواهدی وجود دارد که القف روستای قبله بنی قینقاع بوده و گفته شده است مدراس ماسکه یک نوع بیت المدراس قینقاع بود که در جاهای دیگر ذکر آن آمده است؛ احتمال خیلی اندکی وجود دارد که در این روستا دو نوع از این مؤسسات وجود داشته باشد.

ارتباط میان ماسکه و قینقاع به طور قطع معلوم نیست؛ یا ماسکه یکی از زیرگروه‌های قینقاع بوده یا اینکه به احتمال قابل قبولی، هر دو گروه‌های مستقلی بوده‌اند. در هر حال، قینقاع جزء غالب در جمعیت القف بوده‌اند، این روستا ساکنان دیگری نیز غیز از سایر یهودیان داشته (Obermann, 1944, p. 160) که شامل ماسکه بوده است.

شاید بشود فردی را که گفته شده است استاد زید (و یا مربی وی) بوده را شناسایی کرد. بر اساس گفته سابق پسر زید، خارجه یک زن مشهوری بوده که در اشعار حسّان بن ثابت انصاری نیز آمده است. دختر عمر، از یهودیان بنی ماسکه است که خانه‌اش در منطقه القف بود. پدرش رییس یهودیانی بود که عهده‌دار خانه تورات خوانی

بودند و وی فردی معتبر در میان یهودیان بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۷۴م، ج ۱۷، ص ۱۶۹؛ حسان بن ثابت، ۱۹۷۱م، ج ۱، ص ۱۷۶ و ج ۲، ص ۲۰۸).

یک روایت قابل توجه توسط واقدی درباره کتابت در دوران قبل از اسلام مدینه، زید را در کنار کسانی از عرب قرار داده است که قبل از اسلام سواد داشته‌اند و بصورت مشخصی یاد گرفته بودند در دوره‌های مختلفی بخوانند.

واقدی روایت ذیل را با اسناد خودش که به سعد بن سعید (از مالک بن النجار) باز می‌گردد نقل کرده است: «فن نوشتن عربی در میان اعراب اوس و خزرج نادر بوده است. یک یهودی از یهودیان ماسکه آن را تعلیم می‌داد و مرسوم بود که به فرزندان اعراب آموزش می‌دادند. وقتی اسلام آمد، حدود ده نفر و اندی از آنان باسواد بودند. از این میان به این اسامی می‌توان اشاره کرد: سعید بن زراره، منذر بن عمر، ابی بن کعب، زید بن ثابت - که هم می‌توانست عربی بنویسد و هم عبری - رافع بن مالک، اسید بن حذیر، معن بن عدی، ابو عباس بن جبر، اوس بن خولی و بشیر بن سعد» (جواد علی، ۱۹۵۰م، ج ۷، ص ۵۹ و صص ۶۵-۶۶).

در جای دیگری واقدی از ابن ابی سیرا (مزی، ۱۴۱۳ق، ج ۳۳، ص ۱۰۲) نقل کرده است که سعد بن سعید، برادر یحیی بوده است (واقدی، ۱۹۶۶م، ج ۱، ص ۱۵۲). سعد متعلق به زیر گروهی از مالک بن نجار بود که به نام عبید بن ثعلب بن غنم خوانده می‌شد. پدر بزرگش، قیس بن عمرو قهد یک منافق بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۵، صص ۴۹۱-۴۹۲ و صص ۵۹۶-۵۹۷؛ ابن قدامه، ۱۹۷۲م، ص ۶۱).

در هر حال، در این نقل، هیچ نامی از ماسکه نیامده و ممکن است با توجه به ارتباط میان یک یهودی ناشناخته و شاگردان عرب جوانش در آن تصحیف رخ داده باشد؛ این در حالی است که تسلط یهودیان بر عربی و خوانده شدن عربی توسط شاگردان به یکدیگر ارتباطی ندارند (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 264).

مفهوم رایج اجتماعی «الکمل» به معنای مرد کامل در مدینه قبل از اسلام، نشانگر مردی بود که سواد (کتابت) را با فن (تیراندازی یا شنا) در یک جا جمع کرده باشد (Torrey, 1933, pp. 244-245 ; Gätje, 1976, p. 330) که در این میان صرفاً زید بن ثابت

بود که با دانش دو زبان (و یا حتی دو خط) شناخته می‌شد؛ عربی و عبری، که قبل از اسلام آن‌ها را آموخته بود (کتانی، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۲۳۹).

### ۳-۲. علت اختلاف صحابه با زید

در خصوص دلایل اختلاف نظرهایی که در رابطه میان زید بن ثابت و دیگر صحابی معروف و مشهور صدر اسلام در روایات و کتب تاریخی بیان شده، اقوال متعددی گفته شده است. برخی بر این ادعا هستند که این اختلاف نظرها اکثراً ساختگی و جعلی بوده و چنین حوادثی نه در زمان پیامبر اکرم (ص) و نه در زمان خلفا وجود نداشته است چرا که اکثر این صحابیان در دستگاه حکومت مشغول خدمت بوده و مناصبی داشته و خلیفه وقت مانع از بروز هرگونه مشکلی میان صحابه شده است.

در این میان برخی نیز معتقدند این اختلاف نظرها وجود داشته و به خصوص در جریان جمع و تدوین مصحف شریف و یا قرائت‌های مختلف آیات قرآن بروز و ظهور شدیدتری یافته است. در این میان برخی مستشرقان مانند میخائیل لکر معتقد هستند که انتخاب زید بن ثابت توسط خلیفه سوم [عثمان] برای تهیه نسخه‌ای از مصحف باعث شد حسادت صحابه به خصوص دو صحابی بزرگتر، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود نسبت به وی بیشتر شود (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 266) و مقایسه کنید با (Jeffery, 1937, vol. 2, pp. 96-135; Gätje, 1976, pp. 24-25).

بر همین مبنا وی روایاتی از ابی بن کعب نقل کرده است که می‌گوید: «من قرآن را می‌خواندم در حالی که زید هنوز کودکی بود با دو زلف آویخته از کنار گوش‌هایش و در میان کودکان یهودی در مدرسه سوادآموزی بازی می‌کرد» (Dodge, 1962, p. 45).

ابی در واقع این چنین اظهار می‌دارد که آشنایی طولانی مدت او با متن قرآن به زمانی باز می‌گردد که زید هنوز با کودکان یهودی بازی می‌کرده و لذا در موضوع جمع قرآن نسبت به زید حق تقدم دارد. این در حالی است که میخائیل لکر معتقد است خود ابی نیز یک دهه یا بیشتر در یکی از همان مدارس (کتاب) یهودی تحصیل کرده است. (Lecker, 1985, p. 87)

قولی شبیه به همین به ابن مسعود نیز نسبت داده شده است (Lecker, 1997, vol. 3, p. 54). این روایات با سندهای متفاوتی که به ابن مسعود باز می‌گردد، و تعبیر



مختلفی که در روایات آمده است، دلالت بر اعتراض ناشایست ابن مسعود به انتخاب زید توسط عثمان دارد (ابو داوود سجستانی، ۲۰۰۴م، صص ۱۴-۱۷).  
در یکی از این نقل‌ها که برای مستشرقین ارزش ویژه‌ای دارد، ابن مسعود ادعا کرده است که قرائت قرآن او از قرائت زید بهتر بوده، به اضافه اینکه زید قبل از اینکه اسلام بیاورد، یهودی بوده است. از عبدالله بن مسعود - با کنایه - سؤال شد: «چرا شما قرآن را طبق قرائت زید نمی‌خوانید؟» او گفت: «مرا چه به زید و قرائت زید؟ من از دهان پیامبر خدا (ص) هفتاد سوره را دریافت کردم در حالی که زید بن ثابت هنوز هم یک یهودی بود با دو زلف آویخته از کنار گوش‌هایش» (ابن شبه، ۱۹۷۹م، ج ۳، ص ۱۰۰۶؛ احمد بن حنبل، ۱۸۹۵م، ج ۱، ص ۴۱۱؛ نیشابوری، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۲۲۸؛ ابن ماکولا، ۱۹۶۲م، ج ۳، ص ۱۹۱).

### ۳. نقد نظرات مستشرقان

در تحلیل و ارزیابی مقاله میخائیل لکر باید گفت، آنچه وی در مقاله خود و با استناد به دیگر مقالات مستشرقان نگاشته، حدسیاتی بیش نیست و شایسته بود برای اثبات آن‌ها شواهدی ارائه کند چرا که صرف بیان اینکه «من اطمینان دارم...»، «به نظر می‌رسد اینگونه باشد...» و غیره بدون ارائه هیچگونه سند و منبع تاریخی، نمی‌تواند یقین‌آور باشد.

در ادامه تلاش می‌شود تا در خصوص دو موضوع ارتباط زید بن ثابت با یهودیان و علت اختلاف صحابه با وی نظرات این مستشرق را نقد کرده و پاسخی صحیح برای آن‌ها بیان کنیم:

#### ۳-۱. کیفیت ارتباط زید با یهودیان

میخائیل لکر معتقد است اعراب مدینه در مکتب یا مدراس یا ماسکه یهودیان به تحصیل می‌پرداختند و از آنجا که باسوادان یهود می‌بایست از روی عهد عتیق، عربی به آن‌ها تدریس می‌کردند، لذا تلاش می‌کردند تا دانش‌آموزان را به دین خود برگردانند که به نظر می‌رسد مورد زید بن ثابت یکی از این موارد بوده است (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 259).

البته زید بن ثابت با معلومات و اعتقادات یهودیان آشنایی زیادی داشته است. یکی از این موارد روایتی است که زید بن ثابت موضع یهودیان در خصوص پیامبر اکرم اسلام (ص) را بیان کرده است. وی در این روایت می‌گوید: «کان أحبار یهود بنی قریظة و النضیر یذکرون صفة النبی (ص) فلما طلع الکوکب الاحمر أخبروا أنه نبی و أنه لا نبی بعده و اسمه أحمد و مهاجره إلى یثرب فلما قدم رسول الله (ص) المدینة، أنکروا و حسدوا و کفروا» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۲۷).

این در حالی است که میخائیل لکر و دیگر مستشرقان همکار او بر اساس رسالت دینی و پیش فرض‌های خود از ذکر این موارد پرهیز کرده و سعی کرده‌اند به این موارد اشاره نکنند و بیشتر بر روی باسواد شدن زید توسط یهودیان و تأثیر فراوان یهودیان بر روی زید تمرکز نمایند. قابل ذکر است که در منابع اهل سنت از زید بن ثابت فقط ۹۲ حدیث نقل شده است که ۵ مورد آن، مورد اتفاق شیخین بوده و ۸ مورد آن را بخاری به تنهایی نقل کرده است (ابوریه، ۱۹۷۰، ص ۱۳۰).

از دیگر دلایل مستشرقان برای اثبات یهودی بودن زید، روایاتی است از برخی صحابه که بر دو زلف آویخته از کنار گوش‌های زید اشاره دارد. به عنوان نمونه ابن مسعود ادعا کرده است که از دهان پیامبر خدا (ص) هفتاد سوره را دریافت کرده در حالی که زید بن ثابت هنوز هم یک یهودی بود با دو زلف آویخته از کنار گوش‌هایش» (ابن شبه، ۱۹۷۹م، ج ۳، ص ۱۰۰۶؛ احمد بن حنبل، ۱۸۹۵م، ج ۱، ص ۴۱۱؛ نیشابوری، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۲۲۸؛ ابن ماکولا، ۱۹۶۲م، ج ۳، ص ۱۹۱).

علمای مسلمان این قول ابن مسعود را به عنوان یک گفتار از روی ناراحتی دانسته‌اند. حتی کتابی که اخیراً درباره زید بن ثابت نوشته شده است از نقل این روایت اجتناب کرده و قول ملایم‌تری را از گفتار ابن مسعود نقل است.

### ۲-۳. آموزش یافتن زید بعد از اسلام

اگرچه میخائیل لکر معتقد است زید بن ثابت قبل از اسلام و توسط یهودیان آموزش دیده و باسواد شده است، با این حال برخی دیگر از محققین با استناد به دلایل و شواهد تاریخی اثبات کرده‌اند که زید صرفاً بعد از اسلام باسواد شده است. از جمله

شواهد تاریخی این موضوع، جریان باسواد شدن مردم مدینه توسط اسرای جنگ بدر بوده است.

برخی از اسیران مکه در جنگ بدر باسواد بودند، به همین جهت در برابر تعلیم سواد نوشتن به ۱۰ مرد، به آنها اجازه داده می‌شد که آزاد شوند و در آن زمان زید بن ثابت در میان سایر جوانان انصار نوشتن را فراگرفت (خزاعی، ۱۹۸۵م، صص ۴۸-۴۹؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۲، ص ۲۲).

دلیل دیگری که مدعای فوق را اثبات می‌کند، روایتی است از پیامبر اکرم (ص) که به عبدالله الحکم بن سعدی و ابی یحیی بن العاص بن امیه بن عبد شمس دستور داد در مدینه کتابت تعلیم نماید و زید از جمله کسانی بود که توسط ایشان باسواد شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۰؛ مصعب، ۱۹۵۳م، ص ۱۷۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۲، ص ۱۰۳؛ بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۴، ص ۱۳۰).

همچنین گفته شده است که فراگیری خط عربی و عبری توسط زید، بعد از هجرت اتفاق افتاده است. نقلی از طریق پسر زید - خزرج - وجود دارد که به خود زید باز می‌گردد. خزرج بن زید در خصوص چگونگی تعلّم یافتن زبان عبری توسط پدرش می‌گوید: پیامبر خدا به من دستور داد تا برای ایشان به فراگیری خط یهودی پردازم، و او به من گفت: «با توجه به رسالتم، من به یهودیان اعتمادی ندارم». یک ماه نگذشته بود تا اینکه من آن را فراگرفتم. من همواره مداومت در نوشتن مکتوبات ایشان برای یهودیان داشتم و وقتی که آنها برای پیامبر چیزی می‌نوشتند، من برای پیامبر می‌خواندم (بلاذری، ۱۸۶۳م، ص ۴۷۴).

نقل کامل این خبر در منابع متعددی ذکر شده است بدین صورت که بعد از امتحان زید توسط پیامبر در حفظ برخی از سوره‌های قرآن، دستور آموزش خط یهودیان در زمان اندکی بعد از هجرت توسط پیامبر (ص) داده شده است (مزی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۲۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۲، ص ۵۹۳؛ Noldeke, 1919, vol. 1, p. 113).

در روایت دیگری از خود زید نقل شده است که می‌گود: پیامبر خدا به من فرمود: «نامه‌هایی برای من از افرادی خاصی می‌آید که من از کسی نمی‌خواهم آنها را بخواند.

آیا تو می‌توانی خط عبری را فراگیری». من گفتم: «آری» و من آن را در هفده روز فراگرفتم» (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۲، ص ۳۵۸؛ طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۵۵). بنابراین، زید خط عربی و آرامی یا سریانی یا عبری را بعد از هجرت فراگرفته است. این در حالی است که مستشرقان - به خصوص میخائیل لکر - این روایات را توجیه‌گرانه و غلط خوانده و همچنان بر تعلیم یافتن زید در مؤسسات یهودی تأکید دارند. این انکار در حالی است که بر اساس مستندات فراوان تاریخی، پیامبر اکرم (ص) در مدینه نظام آموزشی گسترده‌ای را دایر کرده بود و افراد فراوانی از این طریق سواد خواندن و نوشتن و قرائت و کتابت قرآن را فراگرفتند. انکار جدی این نظام و اینکه اصلاً در زمان پیامبر اکرم (ص) آموزشی وجود داشته باشد، از سوی مؤلف جای تأمل دارد.

### ۳-۳. کتابت وحی و نامه‌های پیامبر (ص) توسط زید

در خصوص نگارش نامه‌های پیامبر اکرم (ص) برای دیگر قبایل و طوایف نیز اگرچه ادعاهایی در این زمینه در برخی کتب مطرح شده است (احمد بن حنبل، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۳۹۱) اما با مذاقه در قسمت‌های مختلفی که در کتاب طبقات ابن سعد در ارتباط با نامه‌های پیامبر (ص) و فرستادگان قبایل مختلف که به سوی پیامبر (ص) می‌آمدند، درمی‌یابیم که نام زید حتی یک بار هم ذکر نشده است. بدین لحاظ نمی‌توان به اظهارات مرتبط با این نامه‌ها اعتماد زیادی کرد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۱، صص ۲۵۸-۲۹۱).

حتی در خصوص این امر که زید بیشترین آیات قرآن را نوشته است و پرکارترین کاتب وحی می‌باشد، نیز جای تردید فراوان وجود دارد چرا که منبع کافی برای تأیید این امر وجود ندارد (ابن عبد البر، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸؛ جهشیاری، ۱۹۸۰م، ص ۱۲). این در حالی است که میخائیل لکر وقتی می‌بیند نام ابی بن کعب در فهرست نام کاتبان وحی آمده است، به دلیل روشن بودن سابقه‌اش در دشمنی با پیامبر اسلام (ص)، در این امر تردید می‌کند. ولی در رابطه با زید بن ثابت هیچ‌گونه تردیدی نکرده و به راحتی از کنار آن‌ها می‌گذرد (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 259).

به نظر می‌رسد مؤلف در این مواقع سعی می‌کند فضا را به گونه‌ای ترسیم کند که گویا تمام کارهایی که نیاز به سواد داشت را یهودیان در دست گرفته بودند. این گونه اظهارات می‌تواند در آینده سوءاستفاده‌های فراوانی را به دنبال داشته باشد و از آن جایی که مستشرقان همانند نخ تسبیح به آثار یکدیگر استناد می‌کنند، می‌توانند در مقالات بعدی استفاده خود را بنمایند.

### ۳-۴. علت اختلاف نظر صحابه با زید

اگرچه میخائیل لکر معتقد است انتخاب زید بن ثابت توسط ابوبکر و سپس عثمان برای تهیه نسخه‌ای از مصحف باعث شد تا حسادت دو صحابی دیگر؛ ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود نسبت به وی بیشتر شود (Lecker, 1997, Vol. 56, No. 4, P. 259)، اما باید توجه داشت که ابی بن کعب اولین کسی بود که آیات املاء شده توسط پیامبر(ص) را نوشته است (ابن کثیر، ۱۹۷۴م، ج ۵، ص ۳۴۱).

این در حالی است که در روایات مختلفی به نقل از ابن مسعود و ابی بن کعب آمده است که آشنایی طولانی مدت آن‌ها با متن قرآن به زمانی باز می‌گردد که زید بن ثابت هنوز با کودکان یهودی بازی می‌کرده و لذا در موضوع جمع قرآن نسبت به زید حق تقدم دارند. لکن میخائیل لکر معتقد است این روایات بیانگر حسادت ایشان نسبت به مقام و جایگاه زید بن ثابت نزد خلفا می‌باشد. در حقیقت مؤلف هشیارانه از طرفی دلالت نقل‌های وارده از ابن مسعود و ابی بن کعب بر یهودی بودن زید را از کار انداخته است و از طرف دیگر با استفاده از انتساب یهودی بودن زید توسط ابن مسعود و ابی بن کعب، نظام آموزشی گسترده نبوی را به نام یهود مصادره نموده است.

وی در خصوص شخصیت ابی بن کعب معتقد است او نیز یک دهه در یکی از همان مدارس (کتاب) یهودی تحصیل کرده است (Lecker, 1995, p. 56). به نظر می‌رسد مؤلف در واقع سعی دارد تا این عبارت را مصادره به مطلوب نموده و ابی بن کعب را نیز تحت تعلیم آموزش یهودیان بداند. در حالی که بداهت معنای این عبارت تعریض بر زید است، چنانچه خود مؤلف نیز قسمت آغاز عبارت - یهودی بودن زید - را این چنین تفسیر نموده است، ولی به این جا که می‌رسد سعی بر آن دارد تا تحت

تعلیم یهود بودن ابی بن کعب - که دست آخر هم شاهد متقنی بر تحت تربیت قرار داشتن ابی بن کعب نزد یهودیان نیاورده است - را از آن استخراج نماید.

آنچه در این بخش مهم است، اینکه میخائیل لکر تلاش دارد تا عبارت کنایه آمیز صحابه در خصوص دو زلف آویخته از گوش‌های زید بن ثابت را به عنوان یک اصطلاح عام و رایج در خصوص نوجوانان مدینه بیان کند. وی در این خصوص می‌گوید: «نزدیکی یهود به ذؤابتین نشان می‌دهد که در این مورد ابن مسعود قصد داشته است به شیوه موهای آویخته یهودیان از کنار گوش‌هایشان اشاره نماید که در عبری بدانها پُؤت (مفرد: پُؤ) گفته می‌شد. به طور قطع، دو دسته مو معمولاً نشانگر جوان بودن سن دارندگان آنهاست (ابن انباری، ۱۹۶۹م، ص ۵۰۶؛ Lecker, 1995, vol. 6, p. 17). البته زلف‌های آویخته در پشت گوش‌های یک فرد لزوماً به معنای یهودی بودن او نیست. گفته شده است که خود ابن مسعود نیز دو زلف آویخته در پشت گوش‌هایش داشت و در فضای انصاری که زید بدان تعلق داشت به هر حال این شیوه اصلاح مو به نوعی تشابه جستن به یهود دانسته می‌شد.

در دوره اول بعد از وفات پیامبر(ص) برخی از پسران جوان موهای کناری سر خود را اصلاح نمی‌کردند. انس بن مالک وقتی که جوانی را با این نوع از موها می‌دید با آنها مشاجره می‌کرد و از آنها می‌خواست که موهای خود را سریع اصلاح نمایند به خاطر اینکه این طرز مو گذاشتن متعلق به یهودیان بود (Obermann, 1944, p. 324-65-63; Zimmer, 1996, pp. 63-65).

به نظر میخائیل لکر این قول - دو زلف آویخته از گوش‌هایش - به ارتباط ذؤابتین یا دو زلف با کُتاب - همان مدرسه سواد آموزی یا مدرسه تورات - اشاره دارد و از آمیختگی کُتاب و ذؤابه - دسته مویی که بصورت شل از وسط سر به پشت یا به پیشانی و یا جای دیگر آویزان است - حکایت می‌کند.

وی معتقد است عبارت «وَلَهُ ذُؤَابَةٌ» به طور کلی در جامعه آن زمان در معنی «او نوجوان بود» به کار می‌رفته است (ابن اثیر، ۱۸۶۳م، ج ۱، ص ۱۹۰؛ نصر بن مزاحم، ۱۹۸۱م، ص ۵۲۰). از جمله دلایل وی در این خصوص آن است که در برخی نقل‌ها، ابن مسعود صرفاً به این واقعیت اشاره دارد که وقتی او خودش یک مرجع در قرائت

قرآن به شمار می‌آید، زید هنوز یک نوجوان بود. به عنوان مثال: «من قرآن می‌خواندم، وقتی زید هنوز یک کودک بود» (ابن شبه، ۱۹۷۹م، ج ۳، ص ۱۰۰۶).

در این زمینه باید توجه داشت که تفاوت سن ابن مسعود و زید در حدود ۲۰ سال بوده است. وقتی ابن مسعود در سال ۳۲ هجری (۶۵۲-۶۵۳ م) یا ۳۳ هجری (۶۵۳-۶۵۴ م) وفات یافت، در حدود ۶۰ سال و بر اساس برخی اقوال دیگر ۶۳ سال داشت. در حالی که در سال ۳۲ هجری، زید بن ثابت - که در هنگام ورود پیامبر (ص) به مدینه ۱۱ سال داشت (ذهبی، ۱۹۶۹م، ج ۱، ص ۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۱، ص ۱۲۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۷۴م، ج ۲، ص ۱۹۷ و صص ۲۰۲-۲۰۳)، ۴۳ ساله بوده است. بنابر قول واقدی، زید در سال ۴۵ هجری (۶۶۵-۶۶۶ م) از دنیا رفته و ۵۶ سال عمر کرده است (ذهبی، ۱۹۹۴ق، ج ۲، ص ۴۴۱). سایر اقوال نیز ۵۱ و ۵۵ سال را ذکر کرده‌اند (مزی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۳۱)، دیگران تاریخ‌های مرگ او را سال ۴۸ هجری می‌دانند و عمر او را با این حساب، ۵۹ سال محاسبه کرده‌اند. این قول بر این فرض نهاده شده است که شرکت زید در جنگ خندق (سال چهارم هجری) ثابت شده باشد؛ یعنی اینکه او در جنگ خندق ۱۵ سال داشته است (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۰۹).

### ۳-۵. نفی ادعای مستشرقان مبنی بر بی سوادی مطلق اعراب

در ادامه به منظور رد ادعاهای برخی مستشرقان در خصوص بی سواد بودن اعراب و مسلمانان بویژه در شهرهای مکه و مدینه و اینکه اولین بار ایشان توسط یهودیان ساکن مدینه باسواد شده‌اند و حتی در مواردی کتابت وحی و نامه‌های پیامبر (ص) توسط ایشان صورت می‌گرفته است، در ذیل فهرستی از افراد باسواد عرب که در کتب تاریخی و تراجم در خصوص دانش و سواد آنان تصریح شده، ذکر شده است.

در دومین یا بزرگترین انجمن عقبه، بر اساس نقل‌های مختلف، دوازده نقیب یا نماینده طوایف حضور داشته‌اند که هفت نفر از آنها با سواد بوده‌اند:

۱. سعد بن ربیع (حارث، خزرج)

۲. عبدالله بن رواحه (حارث، خزرج)

۳. رافع بن مالک (زریق، خزرج)

۴. عباد بن صامت (عوف، خزرج)

۵. سعد بن عبادہ (ساعده، خزرج)
  ۶. منذر بن عمر (ساعده، خزرج)
  ۷. اسید بن حریر (ساعده، خزرج) (ابن هشام، ۱۹۷۱م، ج ۲، صص ۸۶-۸۷).
- بر مبنای این لیست می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که اعراب باسوادی که به پیامبر کمک کردند تا در مدینه ثبات بیابد، آن هم در موقعیتی که بت‌پرستی هنوز هم پابرجا بود، اعضای جامعه نخبگان توحیدی بودند که اکثراً باسواد بوده و دانش خواندن و نوشتن را داشته‌اند. این در حالی است که مستشرقین بر مبنای همین لیست اینگونه نتیجه گرفته‌اند که ایشان از قبل توسط یهودیان تعلیم دیده بودند و با هدف شناسایی پیامبر خاتم رهسپار مکه شدند، لکن در اثر مشاهده پیامبر و شنیدن کلام وحی، بدو ایمان آورده و مأموریتی دیگر یافتند.
- همچنین در منابع دیگر فهرستی از باسوادهای عرب بدین شرح آمده است:

۱. سعد بن عبادہ از سعیده (خزرج)
۲. المنذر بن عمر از سعیده
۳. ابی بن کعب از نجار (خزرج)
۴. رافع بن مالک از زریق (خزرج)
۵. اسید بن حذیر از عبد الاشهل (اوس)
۶. معن بن عادی از بلی (اوس)
۷. ابو عبس بن جبر از حارثه (اوس)
۸. سعد بن ربیع از حارث (خزرج)
۹. اوس بن خولی از عوف (خزرج)؛ که پیامبر (ص) از او خواست تا پیمان‌نامه صلح حدیبیه را بنویسد (واقدی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۶۱۰).
۱۰. بشیر بن سعد از حارث (خزرج)
۱۱. زید بن ثابت (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۶۱۳)،
۱۲. عبدالله بن زید از حرث (خزرج) (واقدی، ۱۹۶۶م، ج ۳، ص ۵۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۴، صص ۹۷-۹۸؛ ابن کثیر، ۱۹۷۴م، ج ۵، ص ۳۵۰)



۱۳. حذیفه بن یمان. گفته شده است او همواره برای پیامبر محاسبات تخمینی درباره میوه درختان خرماي حجاز را انجام می داد<sup>۵</sup> (ثعلبی، ۱۸۶۷م، ص ۴۰).
۱۴. معاذ بن جبل که یکی از کاتبان پیامبر بوده است (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۸۰).
۱۵. محمد بن مسلمه از حارثه (اوس). (ابن عبد البر، بی تا، ج ۱، ص ۶۹؛ سهیلی، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۶؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۰۹۳؛ ابن قدامه، ۱۹۸۸م، صص ۹۴-۹۵؛ انصاری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۸).
۱۶. عبدالله بن ابی. ذکر نام او در جمع کاتبان پیامبر باید با مقداری تردید نگریسته شود.
۱۷. زید بن ارقم از حرث (خزرج) (ابن قدامه، ۱۹۷۲م، صص ۱۲۰-۲۱).
۱۸. انس بن مالک از عدی بن النجار (خزرج). (ابن حجر، ۱۸۸۴م، ج ۹، صص ۱۶-۱۷؛ واسطی، ۱۹۸۶م، صص ۶۳-۶۴).
۱۹. ثابت بن قیس بن شماس از حرث (خزرج). وی نامه های پیامبر را برای هیأت های اعزامی ثماله و حذان، به عمیر بن افضه از اسلم و قطان بن حارثه از کلب نوشته است (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۱، ص ۲۸۶، صص ۳۵۳-۳۵۴؛ انصاری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن کثیر، ۱۹۷۴م، ج ۵، ص ۳۴۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲م، ج ۴، ص ۷۱۱؛ ابن اثیر، ۱۸۶۳م، ج ۴، صص ۱۳۹-۱۴۰).
۲۰. ابو ایوب انصاری از عبد عوف بن غنم. او پسر خوانده زید بن ثابت بوده است (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۴۸۴؛ ابن قدامه، ۱۹۷۲م، ص ۶۹).
۲۱. عبادۀ بن صامت از عوف (خزرج). بر اساس گواهی پسرش، سواد (کتابت) و قرآن را به برخی از اهل صفة یاد داده است (ابو داوود سجستانی، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۲۳۷؛ مزی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۳۴) البته او هم پیمان یهودیان قینقاع بوده است (ر.ک: بیهقی، ۱۹۸۵م، ج ۳، ص ۱۷۴).
- اگرچه تحقیقات بیشتر احتمالاً ما را به افراد باسواد بیشتری در میان عرب در مدینه قبل از اسلام آشنا می کند، لکن ارائه همین فهرست می تواند بیانگر این مطلب باشد که بسیاری از اعراب قبل از ظهور دین اسلام با سواد بوده و مسئله آموزش و کتابت در میان آنان رواج داشته است. حتی اگر بپذیریم که آموزش اولیه این افراد توسط یهودیان

بوده است، باز هم نمی‌توان ادعا کرد که همه اعراب توسط آنان آموزش دیده باشند، چه بسا ممکن است فردی در ابتدا از یهودیان آموزش ببیند و سپس به دیگر هم‌کیشان و هم‌مسلمانان خود آموزش بدهد.

### نتیجه‌گیری

بدون تردید زید بن ثابت بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) از چهره‌های تأثیرگذار جهان اسلام بوده است و شاید به راحتی نتوان جایگاه او را به عنوان فردی که کتابت آیات قرآن و احتمالاً برخی نامه‌های پیامبر (ص) را برعهده داشته، انکار کرد اما در این باره شایسته است به نکاتی توجه شود:

زید بن ثابت از کسانی بوده که سالهای زیادی - بنابر بر اقوالی که در این مقاله بررسی شد - حدود ده سال در منطقه یهودی نشین مدینه زندگی کرده، تحت تأثیر آموزه‌های یهودی بوده و با تورات آشنایی زیادی داشته است. لذا بدون شک فرهنگ یهودی بر او تأثیر زیادی گذاشته و در بهترین حالت می‌توان گفت اگرچه یهودی نبوده، ولی به شدت تحت تأثیر فرهنگ و تعالیم یهود قرار داشته است به طوری که برخی او را یهودی شده توسط یهودیان دانسته‌اند.

نزدیک بودن او به پیامبر اکرم (ص) دلیل بر برتری او نیست، همانگونه که نزدیکی دیگر اصحاب به پیامبر (ص)، دلیل بر برتری ایشان نبوده است. در این خصوص به نظر می‌رسد وی به دلیل کارکردهایی که در جامعه آن زمان داشته، توسط پیامبر اکرم (ص) مورد توجه قرار گرفته و به کارگیری شده است که نگارش نامه و کتابت وحی از جمله این کارها بوده است.

بنابر اسناد و مدارک تاریخی که در رابطه با شبه جزیره عربستان و تاریخچه سکونت اعراب و یهودیان وجود دارد، نمی‌توان پذیرفت که تمامی افراد شبه جزیره و به خصوص مردم مکه و مدینه توسط یهودیان باسواد شده و آموزش دیده‌اند چرا که اولاً برخی از اعراب در آن زمان به دلیل نیازهای اقتصادی و مسافرت‌های تجاری توانایی خواندن و نوشتن داشته‌اند و ثانیاً خط حجازی آنان با خط عبری و سریانی یهودیان متفاوت بوده است و به همین دلیل است که پیامبر اکرم (ص) به زید بن ثابت دستور می‌دهند تا خط عبری را بیاموزد تا بتوانند با یهودیان مکاتبه داشته باشند.

زید بن ثابت را به هیچ وجه نمی‌توان تابع سنت نبوی دانست. او تنها کسی بود که خلفا به او اعتماد کردند و کار جمع قرآن را به او سپردند در حالی که در آن زمان دیگر صحابی پیامبر که دارای فضل و تقوای بیشتری بودند، فراوان بودند. همچنین برخی روایات نقل شده از وی در خصوص عمل به احکام و فرائض بیانگر دانش اندک و در مواردی قضاوت‌های نادرست وی است که با مخالفت شدید صحابه مواجه شده.

میخائیل لکر به عنوان یکی از مستشرقان یهودی در مقالات خود تلاش دارد تا برای زید بن ثابت از طریق تخطئه جایگاه مستحکم و روشن سایر صحابه، جایگاه سازی نماید، آن هم بر اساس ادعای شخص زید و نه اسناد تاریخی معتبر، زیرا تنها ناقل این مسئله که زید کاتب نامه‌های پیامبر بوده، خود زید است.

موضع‌گیری تمام صحابه هم عصر زید بن ثابت در برابر او، دلالت بر نارضایتی آنان از وی می‌نماید. اما اینکه چرا تمام صحابه مخالفت علنی خود را مانند دو صحابی معروف - ابن مسعود و ابی بن کعب - ابراز نکرده‌اند، به دلیل حمایت دستگاه حاکمیت از زید و نفوذ او در دستگاه حکومتی سه خلیفه اول بوده است.

اقدامات گسترده‌ای در حذف هویت یهودی زید در طول تاریخ و توسط برخی از چهره‌های سرشناس عالم اسلام و یهودیت وجود داشته است که از آن جمله می‌توان به اقدام احمد بن حنبل اشاره کرد که عبارت «فرزند یهودی با دو زلف آویخته از کنار گوش‌هایش» را پس از مدتی از مسندش حذف نمود.

در همین راستا مستشرقین نیز در تلاش بوده‌اند تا انتساب یهودی بودن را از زید بن ثابت بزدایند، آن هم با این توجیه که این عبارت، عبارتی توهین‌آمیز و کنایه از نوجوان بودن وی است و زید تنها توسط یهودیان آموزش یافته و در اصل یهودی نمی‌باشد. این هدف زیرکانه از آن روی در دستور کار برخی مستشرقان قرار گرفته تا حساسیت جهان اسلام را نسبت به برخی از صحابه و اقدامات مورد سوال آنان، کاهش دهند.

## یادداشت‌ها

### 1. Zaid b. thabit

۲. بر مبنای آیه ذیل که می فرماید: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (انفال: ۷۵)

### 3. MICHAEL LECKER

4. Hebrew University, Jerusalem.

۵. «یکتب خرص الحجاز».

### کتابنامه

قرآن کریم.

ابن اثیر، ابو الحسن علی بن محمد، عزالدین (۱۸۶۳م)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*. قاهره: دارالتقريب.

همو، (۱۹۶۶م)، *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارالنشر.

ابن انباری، (۱۹۶۹م)، *شرح القصائد الطوال*، قاهره: دارالتقريب.

ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: دارالعلم.

ابن حجر عسقلانی، ابو الفضل احمد بن علی (۱۳۲۵ق)، *تهذیب التهذیب*. حیدرآباد: دایرة المعارف العثمانیه.

همو، (۱۸۸۴م)، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بولاق: بی نا.

همو، (۱۹۷۲م)، *الاصابه فی تمیز الصحابه*. تحقیق. علی ممد علی الجاوی. قاهره: دارالنشر.

ابن رسته، (۱۸۹۲م)، *العلاق النفیسه*، تحقیق M. de Goeje، لندن: انتشارات لیدن.

ابن سعد، محمد (۱۹۶۸م)، *الطبقات الکبری*. بیروت: دارالعلم.

ابن شبه، عمر (۱۹۷۹م)، *تاریخ المدینه المنوره*. تحقیق فهیم محمد شلتوت. مکه: دارالطباعه.

ابن عبد البر، یوسف بن عبدالل النمری (بی تا)، *الاستیعاب فی معارف الاصحاب*، تحقیق علی محمد الجاوی. قاهره: دارالنشر.

ابن عساکر، (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق عمر بن غرام العمروی، بیروت: دارالفکر.

- ابن قدامه، عبدالله المقدسی موفق الدین (۱۹۷۲م)، *الاستبصار فی نصب الصحابه من الانصار*، تحقیق علی نوحید. بیروت: دارالنشر.
- همو، (۱۹۸۸م)، *التبیین فی انصاب القرشیین*، تحقیق محمد نایف الدلیمی، بیروت: دارالنشر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۷۴م)، *البدایة و النهایة فی التاریخ*، بیروت: دارالهدی.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الفکر.
- ابن ماکولا (۱۹۶۲م)، *الاکمال*، تحقیق رحمان بن یحیی الیمنی، حیدرآباد: دایرة المعارف العثمانیه.
- ابن هشام، (۱۹۷۱م)، *السیرة النبویة*، تحقیق السقی الایاری و شلیبی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابو داود سجستانی، عبدالله (۲۰۰۴م)، *کتاب المصاحف*، دمشق: دارالتکوین للنشر و التوزیع.
- ابوالفرج اصفهانی، ابو نعیم (۱۹۷۴م)، *معرفه الصحابه*، قاهره: دارالهدی.
- احمد بن حنبل (۱۸۹۵م)، *مسند*، قاهره: دارالعلم.
- همو، (۱۹۸۳م)، *فضائل الصحابه*، تحقیق وصی الله بن محمد عباس، مکه: دارالطباعه.
- ازدی نیشابوری، فضیل بن شاذان (بی تا)، *الایضاح*، تهران: بی نا.
- انصاری، محمد بن علی بن احمد بن حدیده (۱۴۰۵ق)، *المصباح المضمیء فی کتاب النبی*. تحقیق محمد عظیم الدین، بیروت: دارالنشر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۸ق)، *التاریخ الکبیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- همو، (۱۴۰۱ق)، *الصحیح*، بیروت: دار الفکر.
- بلاذری، ابوعباس احمد بن یحی بن جابر (۱۸۶۳م)، *فتوح البلدان*. تحقیق M. De Goehe، لندن: انتشارات لیدن.
- همو، (۱۹۵۹م)، *انصاب الاشراف*، تحقیق محمد حمیدالله، قاهره: دارالکتب العلمیه.
- بیهقی، (۱۹۸۵م)، *دلائل النبوه*، تحقیق عبدالمعطی قلجعی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پیترز، فرانسیس ادواردز (۱۳۸۳)، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ثعلبی، ابومنصور عبد الملک بن محمد (۱۸۶۷م)، *لطائف المعارف*، تحقیق P. D. Jong، لندن: انتشارات لیدن.

- جواد علی، (۱۹۵۰م)، تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: دارالحفاظ.
- جهشیاری، (۱۹۸۰م)، الوزراء و الكتاب، تحقیق السقاء الابیاری و شلبی، قاهره: دارالعلم.
- حسان بن ثابت، (۱۹۷۱م)، دیوان، تحقیق و. عرفه، لندن: انتشارات لیدن.
- خزاعی، علی بن محمد (۱۹۸۵م)، تخريج الدلالات السمعیه، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالهدی.
- دارمی، عبد الله بن بهرام (۱۳۴۹)، السنن، دمشق: مطبعة الاعتدال.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۹ق)، تذكرة الحفاظ، بیروت: مكتبة الحرم المکی.
- همو، (۱۹۶۹م)، معرفة القراء الكبار علی الطبقات و الاعصار، تحقیق محمد سید جاد الحق، قاهره: دارالطباعه.
- همو، (۱۹۹۴م)، سیر اعلام النبلاء، بیروت: موسسه الرساله.
- رامیار، محمود (۱۳۶۹)، تاریخ قرآن، تهران، نشر امیر کبیر.
- زنجانی، ابو عبدالله (بی تا)، تاریخ القرآن، تهران: مكتبة الصدر.
- سعد یوسف، محمود ابو عزیز (بی تا)، الإسرائیلیات و الموضوعات فی كتب التفاسیر، القاهرة: مكتبة التوفیقیه.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲ق)، الأنساب، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة
- سمهودی، علی بن احمد (۱۹۵۵م)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، قاهره: دارالهدی.
- سهیلی، (۱۹۷۱م) الروض: الانف، تحقیق طه عبد الرؤوف سعید، قاهره: دارالنشر.
- سید علی خان، (۱۴۲۰ق)، الدرجات الرفیعة، قم: مكتبة بصیرتی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۰)، الاتقان فی علوم القرآن، تعلیق مصطفی زبب البخا، بیروت: دار ابن کثیر.
- صفوان عدنان، داوودی (۱۴۱۱ق)، زید بن ثابت، کاتب الوحی و جامع القرآن، دمشق: دارالنشر.
- طبرانی، ابو القاسم سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق)، المعجم الکبیر، تحقیق حمید عبد المجد السلفی، قاهره: دارالکتب العلمیه.

طوسی، محمد حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط. قم: المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.  
عبد الملك بن حبيب (۱۹۹۲م)، مختصر في الطب، مدريد: بي نا.  
كتاني، عبد الحى (۱۳۴۶)، نظام الحكومه النبويه المسمى الترتيب الاداريه، بيروت: دارالنشر.  
كلىنى، محمد بن يعقوب (۱۴۰۱ق)، الكافى، به كوشش على اكبر غفارى، بيروت: دارالتعارف.  
متقى هندی، ابن حسام الدين (۱۴۰۹)، كنز العمال فى نفس الاقوال و الافعال، تصحيح صفوة  
السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة.  
مزى، ابو الحجاج يوسف (۱۴۱۳ق)، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، تحقيق بشار عواد  
معروف، بيروت: دارالهدى.  
مصعب، بن عبدالله الزبير (۱۹۵۳م)، كتاب نصب القریش، تحقيق E. Levi-pravencal، قاهره:  
دارالعلم.  
میرزا نوری، حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بيروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء  
التراث.  
نصر بن مزاحم، (۱۹۸۱م)، وقعة الصفين، تحقيق عبدالسلام هارون، قاهره: دارالعلم.  
نیشابورى، ابو عبدالله الحكيم (۱۹۸۶م)، المستدرک على الصحيحين فى الحديث. رياض:  
دارالطباعه.  
واسطى، اسلم بن سهل (۱۹۸۶م)، تاريخ واسط، تحقيق كركيسل عواد، بيروت: دارالعلم.  
واقدى، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۹۶۶م)، كتاب المغازى، تحقيق M. Jones، لندن: انتشارات  
ليدن.  
ياقوت حموى، (۱۹۹۳م)، معجم الادباء، تحقيق احسان عباس، بيروت: دارالهدى.  
يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب (۱۳۷۱)، تاريخ يعقوبى، ترجمه محمد ابراهيم آيتى، تهران:  
انتشارات علمى و فرهنگى.

Abbot, N. (1967), Studies in Arabic Literary Papyri, Quranic Commentary and Tradition, Chicago, Stable.

Dodge, (1962), Muslim Education in Medieval Times, Washington, D.C.

Gätje, (1976), The Quran and its exegesis, trans. And ed. bzA. T. Welch. London: Helelz.

- Jeffery. A. (1937), *Materials for the History of the Text of the Quran*, London: Leiden.
- Lammens. H. (1908), *Etudes sur le regne du calife Omayyade Moawia Ier*, London: Leipzig.
- Lecker, Michael (1985), ‘‘Muhammad at Medina: A geographical Approach’’, In *Jerusalem studie in Arabic and Islam* 6.
- Id. (1991), ‘‘Land Property and Jihad’’, in *Journal of the Economic and Social, History of the Orient* 34.
- Id. (1992), ‘‘The Bewitching of the Prophet Muhammad by Jews: A Note a propose Abd al-Malik b. Habib’s Mukhtasar fi l-tibb,’’ in *al-Qantara* 13.
- Id. (1995), ‘‘Judaism among Kinda and the Ridda of Kinda’’, in *The Journal of the American, Oriental society* 115.
- Id. (1995), *Muslims, Jews and Pagans: Studies on EarlyIslamic Medina*, London: leiden.
- Id. (1996), ‘‘amr b. hazm al-Ansari and Quran, Compulsion is There in Religion’’, in *Orient* 35.
- Id. (1997), *Journal of Near Eastern Studies*, The University of Chicago, Stable.
- Noldeke. Th. (1919), *Geschichte des Qorans*, ed. F. Schwally, London: Leipzig.
- Obermann. J. (1944), ‘‘Islamic Origins: A Study in Background and Foundation,’’ in N. A. Faris, *The Arab Heritage*. Princeton: Rajy.
- Sezgin, (1967), *Geschichte des arabischen Schrifttums*, London: Leiden.
- Torrey, Charles C. (1933), *The jewish Foundation of islam*, New York:
- Zimmer, (1996), *Society and Its Customs: Studies in History and Metamorphosis of Jewish Customs*, Jurasalem.